

روایت نگاری تاملی

روایت تاملی چیست؟

روایت تاملی نوشتاری است که به توصیف یک تجربه می پردازد. سبک نگارش این نوشتار جالب تر از انواع دیگر متون است که به حجم بالای ارجاع به منابع تحقیقاتی نیاز دارند. چراکه، این توصیف بر اساس تامل روی یک واقعه خاص در زندگی فرد است. نوشتن یک مطلب تاملی، تا حد زیادی به حافظه شما نیاز دارد تا ابعاد آن ماجرا را به خوبی به یاد بیاورید. شکل این نوع نوشتار، داستان گونه است و اغلب بر اساس ترتیب زمانی وقایع یا بروز احساسات نوشته می شود.

اجزای یک روایت تاملی کدامند؟

هر روایت تاملی شامل، آغاز، میانه و پایان است. در آغاز و مقدمه این نوع نوشتار، اطلاعاتی کامل در مورد پیشینه موضوع فراهم می شود و مسئله مورد نظر به خوبی تبیین می شود. در میانه نوشتار جزئیات واقعه و تمام مواردی که منجر به ایجاد یک تغییر شده است، ارائه می شود. در پایان، نویسنده از تامل خود نتیجه گیری می کند و می گوید که بنظر او چرا تغییر بوجود آمد.

مثالی از یک نوشته تاملی:

آغاز: من کودک لوسی بودم که تنها کودک خانواده بودم. نه تنها خواهر و برادری نداشتم بلکه در میان کل فامیل هم تنها کودک بودم. به همین دلیل توجه زیادی به من می شد. تا اینکه وقتی ۸ ساله بودم، اکبر بدنیا آمد و همه چیز به یکباره تغییر کرد.

اکبر برادر کوچک من بود که تقریباً یک ماه زودتر از موعد مقرر بدنیا آمد و به همین دلیل وقت زیادی از خانواده بالاحص مادرم به رسیدگی به او صرف می شد. گرچه والدینم به من هم توجه داشتند اما به هر حال از مرکز توجه آنها خارج شده بودم و من از این تغییر در زندگی ام متنفر بودم. اوایل حتی از اکبر هم متنفر بودم.

میانه: خداروشکر تولد زود هنگام اکبر باعث بروز مشکل خاصی نشد و او مراحل رشد را به خوبی طی کرد. اما والدینم هنوز خیلی مراقب او بودند. اکبر هرچه بزرگتر می شد بیشتر به این عادت می کرد که همه کارهای من را تقلید کند و همه جا به من بچسبد. والدینم به من هشدار می دادند که با او مهربان باشم ولی من کلاً او را آزاردهنده می دانستم. وقتی به سن نوجوان رسیدم او ۸ ساله شده بود. مثل یک سایه آزاردهنده همه جا به دنبال من می آمد و سؤال می پرسید و کارهایم را تقلید می کرد.

کم کم از او خوشم آمد. او موجود خنده داری بود که همه جا همراهم بود. یادم می آید یک بار که با هم ساندیچ می خوردیم به او گفتم «چرا اینقدر ملچ ملوچ می کنی؟» بلافاصله گفت: «خب چون تو میکنی!». من گازی به ساندویچ زدم و متوجه شدم که راست می گوید؛ من ملچ ملوچ می کردم! و هرگز به این توجه نداشتم! من به اکبر و آن پوزخند خنده دارش نگاه کردم و زدم زیر خنده. او هم خندید گرچه فکر نمی کنم فهمیده باشد برای چی می خندید. بعد از آن هر زمان که یکی از ما ملچ ملوچ می کردیم هر دو میزدیم زیر خنده.

هر چه بزرگتر می شدیم به هم نزدیکتر می شدیم. اکبر دیگر به من پیله نمی کرد که همه جا با من بیاید و من هم زمانی برای ماهیگیری با او کنار می گذاشتم. او من را در مسابقات فوتبال تشویق می کرد و من داوطلب شدم که تیم بیسبال او را هدایت کنم.

نمی دانم چی شد که این تغییر بوجود آمد. آیا به دلیل این بود که اکبر هر چه بزرگتر می شد کمتر آزار می داد و بیشتر با من دوست می شد یا اینکه من هر چه بزرگتر می شدم صبورتر می شدم و بهتر می توانستم با او ارتباط برقرار کنم، سخن او را بشنوم و عشق بی قید و شرط او را بپذیرم. وقتی به گذشته بر می گزدم به این نتیجه می رسم که به خاطر هر دوی این موارد بود. [در این قسمت، نویسنده به تامل در مورد این می پردازد که چگونه ادراک او، او را تحت تاثیر قرار داد]

پایان: الان خوشحالم که بعد از یک شروع پردردسر، من و اکبر به یک تیم تبدیل شدیم. همیشه در مورد اینکه چگونه به کالج بیاید تا من را ببیند با هم حرف می زیم. دور بودن از هم برای ما سخت است اما می دانم که همیشه از نظر قلبی به هم نزدیک خواهیم بود.

همانطور که در متن بالا می بینید، نویسنده در مورد یک واقعه ای در زندگی اش تامل می کند که روند رابطه اش با بردارش را تغییر داده است. **دانشجو معلم عزیز می تواند با مراجعه به تجربیات دوره کارورزی خود، به واقعه یا موردی برسند که باعث تحول در فکر و عمل معلمی آن ها شده است.**

در داستان تاملی بالا، سیر تحول نویسنده به این شکل قابل فهم است:

۱. برادر کوچکم واقعا یک موجود آزاردهنده بود.
 ۲. برادر کوچکم اکنون یک دوست واقعی و موجودی بامزه است.
 ۳. دلیل این تغییر دید، این است که هر دوی ما بزرگ شده ایم و رشد کرده ایم.
- نکته مهم در نگارش یک روایت تاملی این است که **مواردی را بنویسد نشان می دهد زندگی شما قبل از تغییر، حین تغییر و بعد از تغییر چگونه بوده است.**

ویژگی های یک روایت تاملی:

۱. متمرکز بودن بر وقایع مشخص و واضح. یک واقعه شامل چندین اتفاقی است که ارتباط نزدیکی به هم دارند.
۲. دادن اطلاعات کامل در مورد موقعیت و شرایط زمانی، مکانی و افراد درگیر در ماجرا
۳. داشتن عناصر یک روایت یعنی پلات، کاراکتر، موقعیت، یک وضعیت تعارض آمیز.
۴. سازماندهی مشخص وقایع که می تواند ترتیب زمانی داشته باشد.
۵. در صورت امکان، استفاده از دیالوگ
۶. انتخاب واژگان مناسب

۷. توضیح دادن اهمیت واقعه

۸. داشتن یک دیدگاه منسجم

هدف این فعالیت تدوین مقاله به فرمتی که در مجلات علمی-پژوهشی می بینید نیست. بلکه روایت نگاری تاملی فعالیتی است که عمدتاً دو مزیت عمده دارد و به همین دلیل انجام می شود:

۱. دانشجومعلم، معلمان، و هر فردی که بخواهد به تفکر در عمل خویش به منظور ارتقای آن عادت کند با انجام این فعالیت می تواند به یک فرد فکور reflective تبدیل شود.

۲. عادت به انجام این فعالیت باعث توسعه حرفه ای می شود.

پس دانشجومعلم عزیز به دنبال نگارش مقاله ای با فرمت علمی-پژوهشی نباشند.

امتیاز دهی به روایت نگاری های شما بر اساس معیارهای زیر صورت می گیرد:

۱. توصیف دقیق موقعیت آموزشی-پرورشی و مختصات آن

۲. توصیف دقیق جزئیات و وقایعی که منجر به بروز تغییری در موقعیت و کنش دانشجومعلم شده است

۳. توضیح مناسب فرایند تاملی: احساسات، افکار، آنچه از تجربه اش یاد گرفته، میزان انطباق یا عدم انطباق موقعیت و تجربه جدید با تجربیات قبلی، کاوش دقیق باورها، احساسات و طرز فکر پیش از واقعه جدید و پس از آن...

۴. توصیف دقیق جریاناتی که منجر به تغییر شده اند

۵. توصیف دقیق نتیجه گیری بدست آمده از موقعیت جدید

۶. توانایی دانشجومعلم در ارتباط دادن تفکرات خود یا یافته های نظری در زمینه تعلیم و تربیت (مهم ترین معیار).